

جولانی بدون بازرسی بدنی به مسکورفت

تور جهانی القاعده



سیدمهدی طالبی پوهشگر حوزه بین‌الملل

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه روز گذشته (چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵) در کاخ کرملین شهر مسکو میزبان احمد الشرع ملقب به ابومحمد الجولانی از رهبران سابق داعش و القاعده بود که هم‌اکنون حکومت سوریه را در اختیار دارد.

پیش از این و در ۹ مرداد (۳۱ جولای ۲۰۲۵) اسعد شیبیانی، وزیر خارجه حکومت جولانی به مسکو سفر کرده و با پوتین دیدار داشت. روس‌ها کمتر از یک سال پس از سقوط حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه که متحد اصلی آن‌ها به حساب می‌آمد، به مراحل پیشرفته‌ای در بازسازی رابطه خود با حکومت جایگزین رسیده‌اند.

نکات

برای درک نوع روابط میان روسیه و حکومت جولانی باید به بررسی توازن قوا در سوریه، منطقه و جهان پرداخت و هم‌زمان اولویت‌بندی‌های این دو را در نظر گرفت.

جولانی می‌داند روس‌ها به مدت چندین دهه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی فعالیت داشته و طرف برتر بوده‌اند. این نفوذ دارای دنباله‌هایی بوده و به‌سادگی قابل حذف نیست؛ چه اینکه حکومت جدید نیازی به حذف کامل ندارد.

امروز ترکیه در شمال، روسیه در غرب، آمریکا در شرق و رژیم صهیونی در جنوب سوریه دارای حضور مستقیم نظامی، شبه‌نظامی‌ها و جمعیت وابسته هستند. ترکیه علاوه بر استقرار ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو در شمال، در قالب گروه تروریستی موسوم به «ارتش ملی سوریه» دارای ۸۰ هزار فرد مسلح است. جمعیت تجمع‌کرده در ادلب و حلب که در دوران اسد از مناطق پاک‌سازی‌شده تحت کنترل مخالفان به شمال می‌رفتند، قاعده جمعیتی نفوذ آشکارا را تشکیل می‌دهند. آمریکا ۲ هزار نیرو به همراه تجهیزات قابل توجه در شرق سوریه مستقر کرده و در قالب

روایت سیف از ملّی نبودن نگاه روحانی

تلخی بی‌پایان به‌جای پایان تلخ



علی مژروعی خبرنگار گروه سیاست

از همان سال ۹۷ یعنی زمانی که بحث دستگیری سلطان‌های مختلف داغ بود و وحید مظلومین هم به عنوان «سلطان سکه» دستگیر شد این بحث شکل گرفت که نباید صرفاً با متخلفان برخورد کرد بلکه باید سیاست‌های غلط را به عنوان ریشه این تخلفات برچید. اگر کسی می‌گفت برای برخورد با سیاست‌های غلط نیاز به راهکار داریم می‌شد استدلالش را پذیرفت و بر سر آن بحث کرد؛ اما اگر این سیاست‌ها بر مبنای منفعت سیاسی یکی از مقامات تصمیم‌گیر آن‌هم در حد رئیس‌جمهور اتخاذ می‌شُد، آن زمان دیگر هر بحثی در مورد اصلاح رویه‌ها چیزی جز «هیچ» در پی نمی‌داشت همان‌طور که مخالف‌ها با رویه‌های غلط موجود در برجام یعنی مکانیسم ماشه به جایی نرسید و در نهایت با رویکرد رئیس‌جمهور وقت، برجام با هدف ایجاد یک ظرفیت سیاسی مورد پذیرش او و وزیر خارجه‌اش قرار گرفت و به گفته رئیس بانک مرکزی وقت، چیزی جز «هیچ» برای ایران نداشت. ۴ سال بعد از پایان دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، رئیس وقت بانک مرکزی دست به افشاجاری تازه‌ای در مورد رویکرد خودخواهانه و ضد منافع ملی روحانی زده است. ولی‌الله سیف تشریح کرده است که روحانی با این توجیه که «او فقط مسئول دوره ریاست‌جمهوری خودش است» بدون توجه به اثر سیاست خود مبنی بر عرضه بی حساب‌و‌کتاب سکه گفته است «چیزی به پایان ریاست‌جمهوری‌اش نمانده است.» این روایت که از زبان رئیس بانک مرکزی دولت روحانی مطرح می‌شود برای اثبات رویکرد سیاسی و منفعت طلبانه رئیس‌جمهور وقت کفایت می‌کند؛ اما نکته جالب توجه‌تر از متن این روایت این استست که فردی همچون روحانی دیگران را متهم به منفعت‌طلبی سیاسی کرده و می‌گوید در اواخر دولت دوازدهم با این هدف که افتخار احیای برجام به دولت بعدی برسد از به نتیجه رسیدن توافق جلوترگامی شده است. اما این روایت و همچنین رویکردهای مشابه روحانی در سایر موضوعات از جمله ادعای بی‌اطلاعی از تصمیم به گرانی بنزین و حادثه هواپیمای اوکراینی نشان می‌دهد که اتفاقاً روحانی بیشتر از هر کس دیگری به دنبال سلب مسئولیت از تصمیم‌ها و افتخارسازی‌های شخصی از جیب ملت بوده است تا بتواند این افتخارات کاذب را در رقابت‌های سیاسی نقد کند.

سلطان واقعی سکه را بشناسید

سیف طی یک مصاحبه به ماجرای مجرم شناختن وحید مظلومین و اعدام او پرداخته است: «ما مقداری طلا در آفریقای جنوبی داشتیم آقای رئیس‌جمهور (حسن روحانی) به این قضیه دید داد که چرا سکه نمی‌فروشید؟ می‌گفت پس شما می‌توانی قیمت ارز را پایین بیاوری و این کار را نمی‌کنی؟ بعد برگشت به بقیه گفت آقای سیف فکر می‌کند طلاها مال خودش است حیض می‌آید بفروشد، مال بانک مرکزی است و من هم دستور می‌دهم شما هم عمل کن.» نکته جالب توجه این ماجرا این استست که وقتی رئیس بانک مرکزی به روحانی هشدار می‌دهد که این رویه باعث خالی شدن ذخایر شده و ۲ سال بعد بحران درست می‌کند، روحانی با نگاهی کاملاً سیاسی و منفعت طلبانه می‌گوید: «مگر من چقدر از دورام مانده است. اثار اب الابل، من مال دوره خودم هستم.» روحانی به همین مقدار اکتفا نین بسنده نکرده و زمانی که بانک مرکزی برای خرید سکه محدودیت‌هایی اعمال می‌کند نسبت به آن معترض شده و در یک جلسه دیگر هیئت دولت با عصبانیت می‌گوید: «یعنی چه که دودوتا چهارتا می‌کنید هرکسسی هرچقدر می‌خواهد بخرد.» همین مواجهه غیر مسئولانه باعث شد تا امثال وحید مظلومین مسیر را برای

مزدور، از گروه سوریه دموکراتیک پشتیبانی می‌کند که ۱۰۰ هزار نیرو در اختیار دارد. رژیم صهیونی با هزاران نیرو وارد جنوب سوریه شده و با گروه‌های شبه‌نظامی دروزی همکاری دارد که تعداد نفرات آنها به بیش از ۱۰ هزار نفر می‌رسد. در س‌ساحل و در غرب سوریه، روس‌ها یک پایگاه هوایی در استان لاذقیه و یک پایگاه دریایی در استان طرطوس دارند که با زیرساخت‌های قابل توجه همچنان میزبان تجهیزات نظامی پیشرفته و هزاران پرسنل هستند. روس‌ها به طور بالقوه قادر به ساماندهی قوای محلی از ارتشی‌ها و علوی‌ها هستند. جولانی تنها با روسیه روبه‌رو نیست و با مزدوران آمریکا در شرق و جدایی طلبان دروزی در جنوب جنگیده است. جولانی در این مدت درگیری با سه دولت در خاک خود را تجربه کرده است. درگیری با شبه‌نظامیان کردی مزدور آمریکا، درگیری با شبه‌نظامیان دروزی مزدور رژیم صهیونی و زد و خورد با نظامیان روس در حین گشت‌زنی جزو این موارد هستند. گرچه قوای جولانی هیچ‌گونه تحرکی علیه رژیم صهیونی نداشته اما بارها مورد حمله تل‌آویو قرار گرفته‌اند. این وقایع نشان می‌دهند جولانی نه می‌خواهد و نه می‌تواند قوای خارجی مستقر در خاک سوریه را مجبور به خروج کرده و مزدورانشان را سرکوب کند.

قوای ترکیه در شمال در مجاورت خاک این کشور قرار دارند، نیروهای آمریکایی از طریق پایگاه‌های این کشور در عراق و اردن پشتیبانی می‌شوند و نیروهای رژیم صهیونی در جنوب به سرزمین‌های اشغالی متصل هستند. تدارکات‌رسانی این سه دولت از قوا و مزدورانشان به شکل زمینی و هوایی است. در این میان روس‌ها دسترسی زمینی ندارند؛ اما از مسیر دریایی و هوایی از پایگاهشان حمایت می‌کنند. ترکیه، رژیم صهیونی و به‌نوعی آمریکا به سوریه اتصال سرزمینی دارند، اما روسیه فاقد این ویژگی است. مسکو از پایگاه‌های دریایی‌اش در دریای سیاه یا امکانات خود در لیبی به سوریه دسترسی دارد.

درحال حاضر آنچه حکومت جولانی را تهدید می‌کند، رژیم صهیونی است. ترکیه حامی است، دولت‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج‌فارس آن را پذیرفته‌اند، آمریکا پشتیبانی کرده وروس‌ها نظاره‌گر فعال هستند. در این میان دروزی‌ها در جنوب و حومه پایتخت مستقرند و

در جمع با قوای صهیونیستست که آنها نیز موقعیت مشابهی یافته‌اند، دمشق را تهدید می‌کنند. از س‌سوی دیگر رژیم صهیونی قائل به خلع سلاح سوریه بوده و احتمال دارد برای پیشبرد سیاست گسترش جنگ، سوریه را طعمه کند. مهم آن که تل‌آویو قائل به سیاست ترور بوده و علاوه بر ترور رهبران مقاومت در طول جنگ طوفان الاقصی، نجیب میقاتی، نخست‌وزیر سابق که به عربستان سعودی نزدیک بود و همچنین جولانی و مرفه ابوقصره وزیردفاعش را به همراه چندی دیگر از مقامات را تهدید به ترور کرده است. در چنین شرایطی دمشق ظرفیتی برای تمرکز بر روسیه ندارد.

روسیه و موقعیت پایگاه‌هایش قابل دفاع هستند. مسکو هم‌زمان با بهره‌گیری از گرفتاری جولانی به پرونده‌های دیگر از جمله در جنوب، دارای ظرفیت مناسبی در مناطق ساحلی غرب است. روس‌ها از پایگاه‌های مستحکمی برخوردارند و در مناطقی مستقرند که علوی‌ها در آنها اکثریت دارند. اگر مسکو تصمیم به افزایش نیروها و ادوات در دو پایگاهش گرفته و به دنبال سازماندهی و مسلح کردن علوی‌ها برود، کار جولانی دشوار خواهد شد.

انطباق جولانی با حضور روس‌ها علاوه بر اولویت و تمرکز بر خطر رژیم صهیونی و دشواری نبرد با قوای روسیه دلایل دیگری هم دارد. ترکیه روابط گسترده‌ای با روسیه داشته و نمی‌خواهد این کشور را به صورت غیرضروری خشمگین کند. ترکیه خواهان سقوط اسد و تسلط بر دمشق بود که حاصل شده‌اند. جولانی در شرایط حضور قوای متکثر خارجی و داخلی و ناتوانی از کاستن آنها، به روسیه به چشم وزنه متعادل‌کننده نگاه می‌کند. عامل دیگر عدم تحریک روسیه است تا این کشور با تمام ظرفیت و آشکارا برای براندازی حکومت جدید برنامه‌ریزی نکند. از سوی دیگر جولانی قصد دارد در ازای ادامه فعالیت پایگاه‌های نظامی روسیه از این کشور کمک‌های اقتصادی در قالب منابع مالی، سوخت و محصولات کشاورزی دریافت کند.

تنها پایگاه‌های برون مرزی مستقل روسیه و تنها نقطه حضور این کشور در مدیترانه، سوریه است. از این رو مسکو گرچه قادر به هزینه برای حفظ اسد نبود؛ اما احساس می‌کند قادر است فضایی